

آیه ۱۷۵

واژه: اشْتَرَوْا: معامله کردند (شری: خریدن - بر وزن علم).

۸- بدترین معامله:

راز خسران کتمان کنندگان حق و دین فروشان در داد و ستدهای اعتقادی، اخلاقی و عملی این است که بر اثر حبّ دنیا علم و عقل و هدایت و مغفرت را داده و جهل و سفاهت و ضلالت و عذاب می گیرند. آن ها پیش از این که مغفرت را بدهند و عذاب را بگیرند، هدایت را دادند و ضلالت گرفتند، زیرا منشأ مغفرت، هدایت و منشأ عذاب، ضلالت است، چنان که مبدأ هدایت نیز علم و عقل و منشأ ضلالت، جهل و سفاهت است، بنابراین ترتیب ذکر شده در آیه بازگو کننده ریشه آن داد و ستدهاست.

پیام: در بیان کتب آسمانی، هدایت و مغفرت الهی است و در کتمان آن ها ضلالت و عذاب. «اشْتَرَوْا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ»

آیه ۱۷۶

واژه: شِقَاق: جدایی از حق (شَقَّ: شکافتن، نزاع و جنگ)

۹- کتمان حقایق موجب پراکندگی:

کلمه «شِقَاق» در اصل به معنی شکاف و جدایی است. این تعبیر شاید اشاره به این باشد که ایمان و تقوا و افشا کردن حق رمز وحدت و اتحاد در جامعه انسانی است، اما خیانت و کتمان حقایق موجب پراکندگی و جدایی و شکاف است، نه شکاف سطحی که آن را بتوان نادیده گرفت بلکه جدایی و شکاف عمیق.

پیام: منشأ اختلافات دینی و مذهبی، دانشمندان هستند؛ نه کتب آسمانی. «نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ ... اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ»

بسم الله الرحمن الرحيم

آیات ۱۷۰ و ۱۷۱

واژه: اَلْفَيْنَا عَلَیْهِ: آن گونه یافتیم. («الفاء» به معنای یافتن و انس و الفت گرفتن است).

۱- تقلید کورکورانه از نیاکان:

یکی از دامهایی که شیطان همواره برخی از انسان ها را به وسیله آن فریب می دهد، سوء استفاده از تعصبات قومی و نادانی آنان است که منجر به تقلید کورکورانه از نیاکان می گردد. قرآن، بارها این منطق را سرکوب نموده است. در این آیات نیز، آنان را به حیوانی تشبیه نموده است که هرچه چوپان بر او نهیب می زند، چیزی جز صداهای پوچ و بی معنا نمی فهمد. کافران نیز در برابر این همه برهان و سخنان منطقی پیامبر، گویی از وقتی به دنیا آمده اند، کر و لال و کور بوده و از قوه تعقل برخوردار نیستند.

۲- تحقیق عالمانه یا تقلید محققانه:

قرآن کریم راه تحقیق را پیش روی انسان می گشاید تا وی زندگی خویش را بر اساس آن استوار و تنظیم کند؛ به این صورت که یا خود اهل تحقیق و دانش باشد یا از کسی که اهل تحقیق است، اطاعت کند. کفار نه خود محقق هستند و نه از اهل تحقیق تقلید می کنند و به همین دلیل، سفیه و نابخرد شمرده شده اند. از این رو، این گونه آیات که تقلید کورکورانه مشرکان از پدران شان را نکوهش می کند، اصل تقلید را زیر سؤال نمی برد.

پیام: تعصبات نژادی، یکی از زمینه های حق گریزی است. «تَتَّبِعْ مَا اَلْفَيْنَا عَلَیْهِ آباءَنَا»

آیه ۱۷۲

واژه: طَيِّبَات: نعمت های پاکیزه (طَيَّب: دل چسب و مورد پسند - پاک کردن هر چیزی موجب دل چسبی آن است).

۳- نعمت ها برای مؤمنین آفریده شده

در این جا می گوید «مِنْ طَيِّبَاتٍ مَا رَزَقْنَاكُمْ» - از غذاهای پاک که به شما روزی دادیم...» در حالی که در آیه ۱۶۸ بقره گفت: «مِمَّا فِي الْأَرْضِ» - از آن چه در زمین است» این تفاوت گویا اشاره به این است که نعمت های پاکیزه در اصل برای افراد با ایمان

آفریده شده است، و افراد بی‌ایمان به برکت آن‌ها روزی می‌خورند، همانند آبی که باغبان برای گل‌ها در جوی‌ها جاری می‌سازد ولی خارها و علف هرزه‌ها نیز از آن بهره می‌گیرند!

۴- مؤمنین باید شکر هم بکنند

در آیه ۱۶۸ بقره به مردم عادی می‌گوید «بخورید و پیروی گام‌های شیطان نکنید»، ولی به مؤمنان در این آیه می‌گوید: «بخورید و شکر خدا را بجا آرید» یعنی تنها به عدم سوء استفاده از این نعمت‌ها قناعت نمی‌کند، بلکه حسن استفاده را نیز شرط می‌شمرد. در حقیقت از مردم عادی تنها انتظار می‌رود که گناه نکنند ولی از افراد با ایمان انتظار دارد که این نعمت‌ها را در بهترین راه مصرف کنند.

پیام: شکر، نشانه توحید ناب است. اگر انسان رزق را نتیجه فکر اقتصادی و تلاش خود بداند، برای خداوند سهمی قائل نخواهد بود تا او را شکر کند. «وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»

آیه ۱۷۳

واژه: باغ: تجاوزگر (بغی: درخواست چیزی همراه با ظلم و تجاوز)

۵- حلال و حرام خدا؛ مطابق با مصالح انسان:

حلال یا حرام بودن کاری یا غذایی مربوط به مصالح خود انسان‌هاست و خداوند از آن سودی نمی‌برد؛ از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است: «هیچ کس گوشت مردار نمی‌خورد؛ مگر این که بدنش ضعیف و رنجور می‌شود، نیروی او را می‌کاهد و نسلش را قطع می‌کند و خورنده مردار به مرگ ناگهانی می‌میرد. خوردن خون، نیز سبب سنگدلی و قساوت قلب می‌گردد». این مفاسد ممکن است به این دلیل باشد که دستگاه گوارش نمی‌تواند از مردار، خون سالم و زنده بسازد. علاوه بر این که مردار، قانونی از انواع میکروب‌هاست. از این رو، اسلام علاوه بر این که خوردن گوشت مردار را حرام کرده، آن را نجس هم دانسته تا مسلمانان به‌طور کامل از آن دوری کنند. البته فلسفه بسیاری از احکام برما پوشیده است؛ اما چون از جانب خداوند حکیم است، ما به آن عمل کرده و از وی اطاعت می‌کنیم.

پیام: اسلام، دینی است که به تمام احوال و شرایط توجه نموده و قانون جامع و کاملی وضع نموده است. «فَمَنِ اضْطُرَّ»

آیه ۱۷۴

واژه: بُطُونُهُم: شکم‌های‌شان، درون‌های‌شان (جمع بطن: شکم. به معنای نهان و درون نیز می‌آید).

۶- عالمان دین فروش:

مفسران اتفاق نظر دارند که این آیات درباره اهل کتاب نازل شده و به گفته بسیاری، به طور خاص، به علمای یهود نظر دارد که پیش از ظهور پیامبر اسلام صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم، صفات و نشانه‌های او را مطابق آن چه در کتب خود یافته بودند، برای مردم بازگو می‌کردند، ولی پس از ظهور آن حضرت و مشاهده گرایش مردم به وی، ترسیدند که با ادامه روش سابق، منافع‌شان به خطر بیفتد. بنابراین اوصاف آن حضرت را از جویندگان حقیقت، کتمان می‌کردند. البته این آیه، تمامی کتمان‌کنندگان حقیقت را در هر زمان و مکان شامل می‌شود و اختصاصی به علمای یهود ندارد.

۷- عذاب سخت کتمان کنندگان حق:

از این آیه فهمیده می‌شود گناه کتمان حق، یکی از بزرگ‌ترین گناهان به‌شمار می‌رود؛ زیرا از معدود گناهانی است که در قرآن این چنین وعده مجازاتی را دارا می‌باشد. کسانی که حق را اظهار نکنند، علاوه بر این که هدایا و اموالی که از رهگذر کتمان حقایق به دست می‌آوردند، همچون آتشی از دل‌های‌شان زبانه می‌کشد، در روز قیامت مورد بی‌مهری خداوند نیز قرار خواهند گرفت و به آنان بی‌اعتنایی خواهد شد. همچنین، خداوند آنان را پاک نمی‌گرداند و مشمول دردناک‌ترین عذاب‌ها خواهند شد. تعبیر «فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ - چقدر بر آتش جهنم طاقت و شکیبایی دارند!» تنها در مورد این گروه به کار رفته است. انگیزه‌های کتمان حقیقت، زیاد است. از آن جمله، می‌توان به غرور، تعصب نابجای دینی، حفظ موقعیت، ضعف نفس، عدم شهامت، تنگ‌نظری، سفارش بیگانگان، حفظ مقام و مال و... اشاره کرد.

پیام: دنیاگرایی، بزرگ‌ترین خطر برای علماست. «يَكْتُمُونَ ... يَشْتَرُونَ»